

دانشگاه امام صادق (ع)
دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد
پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان:

سیاستهای مهار و کنترل تورم در ایران (۱۳۵۲-۶۵)

نویسنده: محمدحسن نکویی مهر

استاد راهنما: احمد فرجی دانا

استاد مشاور: مسعود درخشان ، نورعلی نوری

سال تحصیلی: اسفند ۱۳۶۸

توصیفگر: ۲۵۵ ص. : نمودار . جدول . شماره بازیابی ۲ الف.

واژگان کلیدی: تورم / ایران / قیمتها / تثبیت / قیمت گذاری

چکیده:

هدف این تحقیق ، بررسی سیاستهای ضد تورمی دولت در سالها (۱۳۵۲-۶۵) و تحقیق درباره تأثیراتی است که هر یک از سیاستها در پی داشته است. یافته های تحقیق نشان می دهد از آغاز برنامه پنجم اقتصادی - سال ۱۳۵۲ - تورم ، همواره یکی از مشکلات اساسی اقتصاد ایران بوده است. در طی اجرای برنامه پنجم اقتصادی ، با افزایش سریع درآمدهای نفتی و اجرای سیاستهای شدیداً انبساطی دولت در زمینه های پولی و مالی ، نقدینگی بخش خصوصی بطور محسوسی افزایش یافت. در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ، به دلیل کسری بودجه های متوالی ، روند رشد سریع نقدینگی ، همچنان ادامه یافت. افزایش حجم نقدینگی ، سبب افزایش تقاضای کل

گردید. افزایش سریع تقاضای کل درحالی صورت گرفت که عرضه کل به علل مختلف از جمله، ناهماهنگی در بنیانهای اقتصادی، عدم یکپارچگی اقتصاد و اتکاء تولید به واردات، ناهمگونی بخشهای اقتصادی، پایین بودن بارآوری نیروی کار و سرمایه و ... نتوانست متناسب با تقاضای کل، رشد کند که این شکاف بین تقاضا و عرضه کل سبب افزایش قیمت ها گردید. تورم جهانی و افزایش قیمت کالاهای وارداتی، کاهش قدرت خرید دلار و کاهش عواید نفتی، علل خارجی تورم ایران طی دوره مذکور بوده است. همچنین افزایش سطح دستمزدها، اشکال در سیستم توزیع، گرانفروشی و احتکار و جنگ تحمیلی از عوامل تشدید کننده این تورم بوده اند.

سیاستهای دولت در زمینه مهار تورم را می توان به دو دسته غیر مستقیم و مستقیم تقسیم کرد. سیاستهای غیر مستقیم شامل سیاستهای مالی و بودجه ای، پولی، ارزی، افزایش واردات، پرداخت سوبسید و ... و سیاستهای مستقیم شامل قیمت گذاری و کنترل قیمتها و سهمیه بندی می باشد.

سیاستهای مالی و بودجه ای دولت قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از طریق تزریق درآمدهای نفتی، سبب ایجاد آثار انبساطی شدید بر اقتصاد گردید که به دلیل عدم کفایت ظرفیتهای موجود، باعث افزایش قیمت ها شد. در سالهای پس از انقلاب اسلامی نیز هزینه های دولت به قیمت جاری، به دلیل گسترش پیکره دولت، شروع جنگ تحمیلی و ایجاد هزینه های گسترده و همچنین مستهلک شدن قسمت زیادی از قدرت خرید بودجه در اثر افزایش قیمتها، افزایش یافت و سبب شد بودجه دولت به میزان زیادی به منابع تأمین کسری بودجه متکی گردد. در زمینه سیاست پولی، اعمال سیاست پولی تنها به تغییر و اعمال کنترل بر ضرایب فزاینده پولی محدود گردیده است. سیاست ارزی نیز در این دوره با اجرای سیاست تثبیت نرخ رسمی ارز، از افزایش بیشتر قیمت کالاهای وارداتی جلوگیری نمود، اما از طرفی این مسأله، باعث بروز مشکلاتی از جمله تخصیص نامطلوب منابع، ایجاد بازار غیر متشکل ارز و کاهش صادرات گردید. افزایش واردات نیز سبب وابستگی بیشتر ساختار اقتصاد

ملی به واردات ، تغییر الگوی مصرف و وابسته شدن آن به خارج ، کم شدن رونق تولیدات داخلی گردید. پرداخت سوبسید نیز باعث افزایش هزینه های دولت وو تشدید کسری بودجه گردید. سیاستهای کنترل قیمتها ، علیرغم ممانعت از افزایش قیمتها ، مغایر با نظام انگیزشی تولید بیشتر بوده و موجب کاهش سرمایه گذاری در تولیدات کالاهای اساسی گردید. سهمیه بندی کالاها بخصوص در طول جنگ ، سبب تثبیت نسبی قیمت ها و نیز کاهش مصرف کالاهای مذکور و در نتیجه صرفه جویی ارزی گردید.

پیشنهادهای تحقیق عبارتند از : سعی در کاهش کسری بودجه و عدم تبدیل مازاد موازنه ارزی به ریال در رابطه با تأثیر بر ضرایب فزاینده پولی ، سیاست حد مجاز اعتباری در کلیه بخشها، افزایش هزینه های عمرانی در مقایسه با هزینه های تجاری دولت ، حذف سازمانهای موازی ، مشارکت دادن بخش خصوصی در سرمایه گذاری .